



شهید دکتر عبدالحمید دیالمه :

« جرم من آن است که  
حرف هایم را زودتر از زمان می زنم. »



نشریه بسیج دانش جویی مضمار  
شماره ۵۰- تیرماه ۱۴۰۱

**صاحب امتیاز:**

بسیج دانش جویی  
دانشکده علوم قرآنی شیراز

**مدیر مسئول:** محمد امین علیدادی

**سردبیر:** فاطمه شیرعسکرپور

**ویراستاران:** مریم فردوس مکان- فاطمه کرمی

**صفحه آرا:** فاطمه کرمی

**هیئت تحریریه:** سیده فاطمه حسینی،

فاطمه شیرعسکر پور، مریم فردوس مکان، سیده

اسما دوگوهر، فاطمه آقایی، مریم ربی زاده، سارا

زارع، مبینا شفیعی، سحر صیادیان، نرگس

کاظمی، شقایق پاکی پودونکی، مجتبی حمیدی،

سجاد واعظ پور، محمد هادی مرادی

**فهرست**

۳	هفت آسمان بهشت
۴	مصاحبه با دانش جوی موفق
۵	عشق علوی، حب فاطمی
۶	ازنسل مادر، ازنسل مولا
۷	عید قربان، یادآور بندگی انسان در برابر پروردگار خویش
۸	ساعت بهشت
۹	معرفی نرم افزار (any desk)
۱۰	معرفی مستند
۱۱	حبط و تکفیر
۱۲	سوگند به قلم
۱۳	معرفی کتاب
۱۴	مصاحبه کسب و کار
۱۵	غدیر نور
۱۶	اسطوره های ماه
۱۷	مسابقه

۰۹۰۲۰۴۶۵۱۰۱

Basishiraz۳۱۳@gmail.com

eitaa: @basijshiraz

شما می‌توانید نظرات و پیشنهادات ارزشمند  
خود را از درگاه‌های ارتباطی زیر با ما به اشتراک  
بگذارید.



غدیر راه‌گشاست...

در خود مسأله غدیر، غیر از جنبه‌هایی که شیعه به عنوان اعتقاد قبول کرده است- یعنی حکومت منصوب امیرالمومنین از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله که در حدیث غدیر آشکار است- اصل مسأله ولایت هم مطرح شده است. این دیگر شیعه و سنی ندارد. اگر امروز مسلمانان و ملت کشورهای اسلامی، شعار ولایت اسلامی سر دهند، راه‌های نرفته و گره‌های ناگشوده امت اسلامی باز خواهد شد و مشکلات کشورهای اسلامی به حل نزدیک خواهد شد.



### هفت آسمان بهشت

چشم‌هایی نگران به او و راهش چندان سعادت را برای او و یاران عاشورایی‌اش و چندان شقاوتی را برای افکار آلوده‌ی خویش رقم زدند که هنوز هم که هنوز است هیچ مرحمی تاوان جبران زخم فقدان «شهید بهشتی» را ندارد.

او برای خودش یک ملت بود، ملتی عاشق! گرچه تاکنون نیز توصیه‌هایش برای عاشق شدن، کام عده‌ای را تلخ می‌کند؛ اما زیباترین تعاریف از تفاوت میان عقل و عشق را از زبان ایشان می‌توان شنید.

راهت مانا ای کسی که هرچه به گفته‌ها و مکتوبات تو نزدیک‌تر می‌شویم، شرافت انسانیت بیش‌تر نمایان می‌شود!...

**سیده فاطمه حسینی**  
**کارشناسی علوم قرآن و حدیث**

بعضی حالات را در قالب کلمات نمی‌توان بیان کرد؛ زیرا نه مفاهیم به‌درستی منتقل می‌شوند و نه آن‌چنان که باید حق مطلب ادا می‌شود؛ گرچه می‌توان بعضی از آن‌ها را زودگذر نامید اما باز هم توصیف‌شان سخت است؛ این‌چنین هستند علما.

انسان‌هایی که در عمرشان؛ عمری که از دیدگاه مادی، زودگذر و کوتاه هست؛ چنان شخصیتی را در خود پرورش می‌دهند که سالیان سال از نقشی که برجای گذاشته‌اند هم بگذرد، هیچ کلمه‌ای برای به تصویر کشیدن‌شان ایجاد نخواهد شد!

شخصیتی که بار مظلومیت خویش را در امتداد چند قرن پیش از خود به تصویر کشید و «کل یوم عاشورا» را زنده ساخت.

از توصیف ابعاد گوناگونی که به تعبیری نخبگی ایشان در آن‌ها بر همه ثابت شده بود و فعالیت می‌کرد، انسان‌های فطرت‌گرا به وجد می‌آمدند و همین عدم انفعال او نیز خطر ساز شد.

## مصاحبه با دانش‌جوی موفق

مضمنا: یکی از خاطرات دوران دانشجویی‌تون رو تعریف کنید.

خاطره که بسیار هست 😊،

مثلا زمانی که فرمانده بسیج بودم، مسلما کارهای زیاری برای انجام دادن وجود داشت و سرم به شدت شلوغ بود و این باعث می‌شد که مجبور باشم از خوابم بزنم، یا دو سه باری پیش اومد که به کلاس یکی از اساتید که اتفاقا خیلی هم جدی بودن، دیر رسیدم. (با این استاد صبح اول وقت کلاس داشتیم که معمولا شب قبلش جلسه‌ی بسیج بود، گاهی تا ۳ شب) بار آخر که دیر رسیدم سر کلاس، گفتند که خانم رضازاده می‌خواید شما به کارهای بسیج برسید و ما اگر توفیق داشتیم شما رو زیارت کنیم و از محضرتون استفاده کنیم؟!

از چنین استادی با این جدیت توقع این حرف رو نداشتیم.

(تامدتها از این استاد خجالت می‌کشیدم و سعی می‌کردم تو راهرو دانشکده من رو باز مشغول کارهای بسیج نبینن که دوباره... 😊)

مضمنا: سخت نبود که در کنار همسر و مادر بودن‌تون، درس می‌خوندید؟

قطعا سخت هست؛ اما خداوند بهترین یاور و مددسران هست. اگر هدف انسان بزرگ باشه، سختی‌های مسیر براش کوچک میشه.

و این که اگر انسان برنامه‌ریزی داشته باشه، امکان‌پذیر هست. جالبه بدویند، ترم آخر کارشناسی فرزند اولم رو باردار بودم و کنکور ارشد رو هم چند روز قبل از به دنیا اومدن علی آقا دادم، بعد حدود سه سال، که دیگه دانش‌جوی دکتری بودم، تولد آقا مهدی هم مصادف شد با ترم آزمون جامع دکتری، همراه با اون همه سختی این آزمون و درس خوندن های شبانه روزی،

اما به توفیق الهی و فضل بی‌کرانش، میشه از لحظه لحظه‌ی زندگی دنیا برای آباد کردن آخرت، بهره برد.

مضمنا: نقش دانشجو در جامعه از دید شما؟

به قول شهید بهشتی: «دانشجو موذن جامعه هست، اگر خواب بماند نماز امت قضا می‌شود.» این دانش‌جو هست که باید مطالبه‌گری کند و آگاه باشد به مسائل مختلف کشورش، همچنین در تلاش برای رفع مشکلات و مسائل آن.

مضمنا: لطفا خودتون رو معرفی بفرمایید.

زینب رضازاده هستم. دانشجوی دکترا، رشته علوم قرآن و حدیث، و از فارغ التحصیلان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی شیراز.

مضمنا: در حال حاضر در چه حوزه‌ای فعالیت دارید؟ مدرس هستم و در حوزه‌ی خانواده مشاور، همچنین در باب موضوعات قرآنی و روایی در حال پژوهش.

مضمنا: چرا این رشته و دانشکده رو انتخاب کردید؟ قبل از این که وارد دانشگاه بشم، بسیار به مفاهیم دینی و قرآن علاقه داشتم و با مشورت‌هایی که با اساتید داشتم، به این نتیجه رسیدم که این رشته و دانشکده رو انتخاب کنم.

مضمنا: از تحصیل در دانشکده راضی بودید؟

بله. راضی بودم. دانشکده‌ی علوم قرآنی شیراز، اساتید بسیار خوب و گران‌قدری رو داشت، که توفیق داشتم شاگردی‌شون رو بکنم.

مضمنا: متاهل هستید؟ فرزند؟

بله و دو فرزند هم دارم.

مضمنا: در زمان دانشجویی چه فعالیت‌هایی داشتید؟

در دوران کارشناسی، از همان ابتدا، از طرف دانشگاه، فرمانده بسیج دانشجویی واحد خواهران شدم و هم‌زمان با درس خواندن، به خدمت در این ارگان انقلابی، مشغول بودم. و پس از اون در انجمن علمی فعالیت داشتم. در المپیاد علمی شرکت کردم و به لطف الهی، رتبه اول قطب جنوب کشور و همچنین رتبه ی ۱۷ رو در کل دانش‌جویان الهیات کشور، به دست آوردم.

مضمنا: فعالیت‌های بسیج و انجمن علمی چه نقشی در موفقیت‌های شما داشت؟

فعالیت‌های دانشجویی، دانش‌جو رو از تک بعدی بودن خارج می‌کنه و فرد می‌تونه از این راه، برای آینده‌ی خودش و کشورش، تجارب ارزشمندی رو کسب کنه.

مضمنا: علاقه‌مندی‌های شما به‌جز درس، چه چیزهایی بود؟

در اوقاتی که درس رو خونده بودم، حفظ قرآن مونس لحظات زندگی‌م بوده و هست، در کنارش، ورزش می‌کردم و می‌کنم، همچنین، فعالیت‌های فرهنگی رو پیگیری می‌کردم.

مضمنا: چه کسانی رو در موفقیت شما نقش داشتند؟ شما لطف دارید. از نظر خودم هنوز به موفقیتی نرسیدم، موفق کسی هست که یاور امام زمانش باشه، تو هرلحظه از زندگیش، نصرت امام اولویت همه‌ی امورش باشه.

## فاطمه شیرعسکریور کارشناسی علوم قرآن و حدیث



أمّ النجبا بانوی کاشانه حیدر شده. عرش از این وصال،  
چنان لرزید که قطرات باران برای رسیدن به خانه علی و  
زهرا، از هم پیشی می‌گرفتند.  
چه مفتخر است علی به دیدار چنین زن والامقامی. چه  
سرافراز است فاطمه به داشتن چنین مرد پرعدالتی.  
کار فاطمه عشق به پسر بنت اسد بود، چه خیرالعملی!  
آفتاب از افق خانه‌شان سر می‌زد  
هرزمان فاطمه لبخند به حیدر می‌زد  
دو دریای معرفت و ولایت به هم پیوستند. شروع شد  
زندگی زهرا زیر سایه مولایش. حرف‌ها خبر از حال زار  
حسودان دارد. دختران با چشمانی مملو از رشک و حرص  
و ترس به خانه علی خیره هستند، به زهرایی که از جان  
و دل مایه می‌گذارد به پای علی. چه کسی فکرش را  
می‌کرد، نوه عبدالله به خواستگاری پسر ابوطالب بله  
بگوید و نور خانه‌اش شود؟ مگر کم خواهان داشت نوه  
خویند؟  
یک جهان هم اگر از بیعت خود برمی‌گشت  
باز هم فاطمه دور سر حیدر می‌گشت  
والله که نشاط زندگی، عشق علی‌ست. میزان قبول  
بندگی، عشق علی‌ست. حال علی شیفته جمال دُختِ  
پسر عم خود شده. زهرا این زن طیبه، دل داده به  
عشق علی.

نه فقط جلوه او سوره انسان آورد  
چادرش یک شب هفتاد مسلمان آورد  
گشوده شد دفتر شیفتگی و دل‌باختی، دل‌بردگی و  
دل‌دادگی  
امروز بر تین نورچشم ابوالأمه، کِسْوَتِ زفاف است. تن  
زده پسر بنت اسد، خلعت شاهی و دامادی را.  
چه مقبول و مطبوع است این وصال و رسیدن به فی  
الله.  
فاطمه مرکز پیوند دو دریا شده بود  
یعنی آیین پیغمبر و مولا شده بود  
غیر زهرا که به جز حق به کسی راغب نیست  
احدی کفو علی بن ابی طالب نیست  
رُخ نمود آفتاب به این منزل. طراوتی چون ام ابیها وارد  
خانه‌ی حیدر شد. عطرآگین کرد کاشانه پرمهر پسر  
ابی‌طالب را...  
سر زد از هر گرانه عطوفت و حفاوت و مرحمت حق  
تعالی. چه جوش و خروشی در عالم است. از کوچه پس  
کوچه‌های مدینه، صدای کل و دست زنان، گوش‌نواز  
است. به جان، روحی دوباره می‌دهد خنده‌ی  
ابوالقاسم!



## عشق علوی، حب فاطمی

مریم فردوس‌مکان  
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

مگر پدر تواند صبوری کند از دوری دخترش؟ آن هم  
محمد(صل الله علیه وآله وسلم) که همچون طفلی  
شامگاه به آغوش فاطمه پناه می‌برد!  
حارثه بن نعمان بخشید خانه خود را به علی و زهرا تا  
پدر هرشب نجوای دل‌تنگی نکند.  
حال زندگی نور می‌خواهد  
عشقی از جنس رود، می‌خواهد.  
فکرش را کن! نورچشمی علی و زهرا چه شود؟ همچون  
زهرا، ساجده یا همچون علی، اسدالله و ابوثراب  
اولین شیعه بی‌تاب علی، زهرا بود  
که سراپای وجودش سپر مولا بود  
علی عاشقانه برای زهرایش می‌خواند: «سِرِّ چشمان تو  
زیباست اگر رمزگشایی بکنم زهرانجام! حال ویران مرا  
حُبِّ تو حیران کند نور چشمم.»  
زهرا که خود اسوه‌ی شاعران عرب زبان است، می‌خواند  
برای شریک زندگی‌اش: «دل اگر جای عذاب است به  
والله آقا، دل فقط جای شما ملک شما شد آقا.»  
نسل زهرا و علی سلسله طوبی شد  
میوه این شجره، نایبه‌ی الزهرا شد

چه زیباست زندگی در این روز، در این ساعت که علی  
با دلی مملو از عشقی ازلی به سوی خانه‌ی محمد(صل  
الله علیه وآله وسلم) می‌رود و با جان می‌پذیرد او را،  
فاطمه‌ای که لبریز از عشق به آفریدگار خود است.  
عشق باید که پس از این سخن آغاز کند  
مرتضی در بزند، فاطمه در باز کند  
حال گره می‌خورد نگاه‌ها به‌هم. نگاه پرهیبت حیدر به  
نگاه پرکلام زهرا. چه شود این وصال و رسیدن به یار  
خوش‌ایمان و خوش‌دل و خوش‌صلابت.  
حال دخترها دیدنی است. با چشمانی آکنده از شادمانی  
و رشک. ورد زبان‌ها شده جمال و جبروت زهرا! کم  
نداشت از دختران اشرافی‌عرب. خالق زهرا هزاران برابر  
آن را به او عنایت کرده بود.  
حال فِضّه بغض دارد، فاطمه بخشندگی را در شب  
عروسی هم رها نکرده بود. چه ساخت با خدای خود که  
زخت از جان برکند و به فقیری داد؟!  
حیدر کجا تواند بیابد مثالی چو زهرا در تمامی عالم؟  
مگر نمونه داشت دختر محمد؟ او دختِ خدیجه بود،  
بخشنده‌ی و سخاوت را از مادر به ارث برده بود.

## از نسل مادر، از نسل حیدر

از بچگی پیشوند اسمم رو دوست داشتم؛ سید. برام خاص بود و البته متفاوت، تعداد کمی از آدم‌ها بودند که این لقب رو داشتند.

خوب یادمه یه جاهایی وقتی اسمم رو می‌گفتم، نحوه‌ی برخورد آدم‌ها تغییر می‌کرد.

سنم کم بود اما بزرگ‌ترها بهم احترام می‌گذاشتند. خب، برای یک بچه‌ی ۵ یا ۶ ساله خیلی عجیبه که چرا بزرگ‌ترها متفاوت باهاش رفتار می‌کنند. بزرگ‌تر که شدم تازه فهمیدم این پیشوند به چه معناست.

فهمیدم چه قدر سخت و بزرگه این اسم. چه قدر وظایفم رو بیش‌تر از قبل می‌کنه.

آخه اجدادم، به بزرگی و منش و سفره‌داری و خوش‌رویی و... معروف بودند. ۱۴ معصوم؛ ۱۲ امام به اضافه‌ی پیامبر و حضرت مادر.

حتی اگر برای هر کدوم فقط یک صفت عالیه در نظر بگیریم، حداقل جمعاً ۱۴ صفت و ویژگی برتر باید در وجود منه سید می‌بود. سخت شد؛ ولی این‌جوری بود که از اون به بعد سعی می‌کردم سنگین‌تر و متین‌تر از قبل رفتار کنم. خیلی مودبانه‌تر از قبل صحبت کنم، خوش اخلاق باشم، مهربون باشم و به آدم‌ها کمک کنم...

گاهاً به این فکر می‌کردم که باید نماینده و مَعْرِف خوبی باشم، درسته هیچ‌کس اون‌ها رو با من به خاطر نیما، چون اون‌ها معصوم بودند؛ اما خب من باید روز قیامت پاسخ‌گوی خانواده‌ای باشم بس بزرگ و شریف.

در کنار تمام احترامی که از بعضی‌ها می‌دیدم، عزیزانی بودند که خدا داند کجای زندگی یک سیدنامی بی‌رسمی کرده بود و از بابتش ناراحت بودند، به‌همین خاطر گاهاً ناسزاهای زیر لبی هم می‌شنیدیم.

اصلاً همین ناسزاهای بود که باز بهم یادآور می‌شد که باید چه‌جوری و به چه طریقی با مردم رفتار کنم، مجموعه‌ای از محبت‌ها و بعضی بی‌مهری‌ها می‌شدند زنگ هشدار من برای اعمال و رفتارم.

وقتی عزیزی از سر ارادت به خاندانم، التماس دعایی

می‌گفت، در کسری از ثانیه

همه چیز از ریز و درشت

کارهام از جلوی چشمم

می‌گذشت... و من مجبور به

سکوت، سر پایین می‌انداختم

یا به‌خاطر کمی کارهای خوبم

یا به‌خاطر زیادی کارهای

بدم...

از روزی که در غدیر شرعاً و

قانوناً به تمامی مسلمین اعلام

شد که حضرت پدر به‌عنوان

ولی مسلمین بعد از پیامبر

خداست.

اهل بیت (سلام الله علیهما) علاوه بر نسبت خانوادگی با پیامبر خدا که جایگاه خاصی بود، شدند حاکم، شدند مسئول راهنمایی، شدند ولی مردم بماند که هرچه از تاریخ بپرسیم، نتیجتاً غصب حکومت و بی‌عدالتی را از مردم تمامی زمان‌ها نسبت به این خاندان، جواب می‌گیریم.

اما چیزی که برای من مشخص بود، وظیفه‌ای مطرح شده بود. سنی نداشتم که بخوام مردم رو راهنمایی کنم؛ اما باید خودم رو به درست‌ترین شکل ممکن در ذهن دیگران جا می‌گذاشتم. آخه همون قدر که می‌کن بهشت سیدا متفاوت، جهنم‌شون هم زمهریره.

کارهای درست که درسته و ثوابش مشخص؛ اما کارهای اشتباه، دوچندان جواب داره برای ماها. دیدین معلمای وقتی یه امتحان می‌گیرند، یه سری شاگردها رو بیش‌تر دعوا می‌کنن وقتی نمرشون کم می‌شه؟! واسه اینه که معلم از اونا انتظار بیش‌تری داشته.

برا ما همین‌جوریه. انگار این خاندان، یه توقع دیگه از ماها یی که نوادگان‌شونیم دارند. انگار اگر ما یه کار اشتباه بکنیم، بیش‌تر از بقیه‌ی مسلمین غصه‌ی ما و خطای ما رو می‌خورند؛ چون ما از نسل اون‌ها ییم.

همیشه به این فکر می‌کردم آدم‌هایی که ساداتن و نامزدی پست‌های دولتی رو می‌پذیرند و بعد هم به یک سمت رسمی می‌رسند، چه قدر کارشون سخته، چه قدر باید دقت کنند تا حقی ناحق نشه، خطایی ازشون سر نزنه؛ چون به‌نظرم این‌جوریه که هرچی حیطه‌ی توانایی، قدرت و مسئولیت بیش‌تر باشه کوچک‌ترین خطاهات تاوان‌های بزرگ‌تری دارند.

چه برسه به این که اولاد پیغمبر باشی، مسئول یک جامعه هم باشی، خدا برسد به داد ساداتی که هر دوی این مسئولیت‌های بزرگ رو دارند؛ اما مردم از دست‌شون شاک و ناراضی‌اند.

منه خورد و هیچ‌کاره‌ای این جامعه فقط به حکم سیدی، هر شب تمام روزم رو مرور می‌کنم که خدایا، نکنه مادرم رو سرافکنده کنم، خدایا نکنه کاری کنم که

حضرت مادر به‌خاطر وجود من

غمگین باشه، نکنه لکه‌ی ننگ

این خاندان باشم.

به خدا قسم این فکر به اندازه‌ی

تمام معیارها و دغدغه‌های دنیا

می‌تونه آدم رو از اشتباه کردن

بترسونه.

**سید اسما دوگوهر**  
**کارشناسی تربیت بدنی**





## عید قربان، یادآور بندگی انسان در برابر پروردگار خویش

از نظر لغوی، «قربانی» از کلمه «قرب» گرفته شده است. به هر چیزی که وسیله قرب و نزدیکی به پروردگار باشد، قربانی می‌گویند. حال آن چیز ذبح حیوان باشد یا صدقات دیگر.

«عید» از لفظ «عود» به معنای بازگشت است؛ بازگشت از زندان خود به سوی خدا؛ بازگشت از تسلط شیطان رجیم به سوی خدای رحیم.

«عید قربان» به معنی بازگشت انسان به مقام تقرب خداوند است که این مقام در سایه مبارزه با نفس اماره در پرتو تهذیب به دست می‌آید.

عید قربان یا عید الأضحی یکی از بزرگ‌ترین عیدهای مسلمانان به شمار می‌رود. بنابر روایات، در روز دهم ذی‌الحجه خداوند متعال به حضرت ابراهیم دستور داد تا پاره تنش حضرت اسماعیل را قربانی کند. او بدون هیچ تردیدی پیشانی پسرش را بر زمین نهاد و تیغ تیز بر حلق او گذاشت؛ اما تیغ به اذن الله گردن او را نبرید؛ سرانجام هنگامی که خداوند تسلیم بودن کامل آن‌ها را در برابر فرمان خود دید، عمل او را قبول نمود و ابراهیم به جای قربانی فرزندش قوچی را که جبرئیل آورده بود، قربانی نمود.

سنت قربانی در روز عید قربان در سرزمین منا به یاد آن رخداد عظیم است. مسلمانانی که برای حج، به زیارت خانه خدا می‌روند، طبق شروطی وظیفه دارند در منا قربانی کنند.

مجتبی حمیدی  
کارشناسی علوم قرآن و حدیث

# عید قربان، عید پیروزی عقل و وحی بر هوا و هوس مبارک باد.



## ساعت بهشت

بر صحرای عرفات فرود آی. غبارآلود آرمزش بخواه؛ خداوند بنده‌اش را در چنین حالتی دوست دارد.

عرفه، روز جامندگان لیلۃ القدر، روز بخشایش، روز آرمزش همه‌ی گناهان.

چه فرصتی! چه زمانی! می‌گویند بعضی‌ها، راهی صد ساله را یک شب طی می‌کنند.

در یک جایی، در یک ساعتی، دل می‌رود. دل می‌لرزد و حالی به حالی تغییر می‌یابد. انقلابی صورت می‌گیرد و جهانی دگرگون می‌شود.

عرفات، بیابانی مستعد برای تحول قلوب.

سرزمین بندگی و طواف و دل سپردن.

این‌جا، همان‌جاست که نخستین بار توبه آدم پذیرفته شد. همان‌جا که سوره مبارکه مائده نازل شد.

این ناحیه مقدس، اولین جایی است که آدم و حوا پس از هبوط، به آن وارد شدند.

در چنین روزی بود که جبرئیل امین، کلماتی را از سوی خدا به آدم (علیه السلام) یاد داد: «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ»

و آدم از خدا طلب بخشش کرد و توبه‌اش مورد قبول واقع شد.

مکانی است که دردانه عالم، آن قتیل العبرات، با چشمانی اشک‌بار و با خضوع و خشوع در مقابل خداوند، برای مناجات برخاستند.

حضرت حسین (علیه السلام)، همراه با فرزندان و گروهی از اصحاب خود، مقابل کوه رحمت ایستادند. با اشک دیده و نیتی خالص، دست‌ها را رو به آسمان بلند کردند و دعای عظیم عرفه را قرائت فرمودند:

«يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِينَ، وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قاصدين، فَأَعِنَّا عَلَىٰ مَناسِكَنا، وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنا، وَأَعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذِلَّةِ الاعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ»

«ما از سر صدق و یقین، آهنگ خانه تو کرده‌ایم. به درگاه تو رو آورده‌ایم؛ پس یاری‌مان کن در انجام مناسک‌مان و

-حج‌مان را کمال ببخش و از ما درگذر و عافیت عنایت‌مان کن که ما این دست‌های خسته‌مان را به‌سوی تو دراز

کرده‌ایم و کوله‌بار ذلت و اعتراف خویش را بر خاک آستان تو نهاده‌ایم.»

چه اسراری در این نقطه از کره زمین، نهفته شده و چه سری است در این سرزمین که حسین (علیه السلام) با فرزندان و اصحاب خود از حرکت می‌ایستند و تا غروب به دعا و راز و نیاز می‌پردازند.

چه کوه‌هایی که در عرفات جابه‌جا نشده و چه مزارعی که به بار ننشسته.

عرفات، سرزمین مرواریدهای مدفون و ناپیدا، سرزمین گوهرهای ناب.

سرزمینی که آدم و حوا پس از مدت‌ها سرگردانی هم‌دیگر را در این محل پیدا کردند.

ارض مقدسی که همچنان محلی است برای شناختن و یافتن.

حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) نیز در دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه، دعا و مناجاتی دارند که

خواندن‌اش خالی از لطف نیست و در روز عرفه هم بعد از دعای پدر بزرگوارشان امام حسین (علیه السلام) سفارش شده.

حضرت سید الساجدین، این‌چنین با خدای خود مناجات می‌کنند: «أَنَا الَّذِي اسْتَحَقُّقِي مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزَكَ.

أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَ أَمِنَكَ.

أَنَا الْجَانِي عَلَىٰ نَفْسِيهِ

منم که خود را به‌وقت گناه از بندگانات پنهان کردم؛ ولی آشکارا به مخالفت با تو برخاستم.

منم که از بندگانات ترسیدم؛ ولی خود را از تو ایمن و آسوده دیدم.

منم که بر خود جنایت کردم.»

در فرازی دیگر امام علی بن حسین (علیه السلام) می‌فرمایند: «وَ لَا تُفْنِحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَطْنِي مِمَّا تُحْمَلْنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ.

وَ لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِسْرَالًا مَنْ لَأَ خَيْرٌ فِيهِ، وَ لَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَ لَا إِتَابَةَ لَهُ.

و بیرون از تحمل و طاقتم، نعمت به من عطا مکن که از فزونی محبتی که بر دوش‌م می‌گذاری، گران‌بارم کنی.

و مرا از دست لطف و رحمت‌ات رها مکن؛ همچون رها کردن کسی که خیری در او نیست و نیازی به او نداری و راه بازگشتی برای او وجود ندارد.»

ساعتی از عرفه را باید به خلوت گذراند و مناجات. مومنین باید در این لحظات دست از دعا نشویند و خود را در

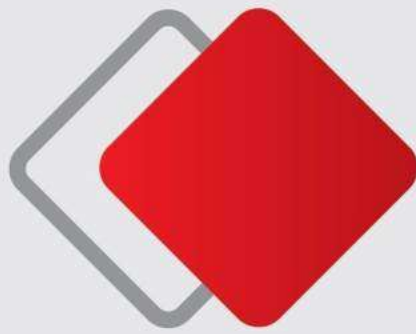
دریای زلال عرفه بیفکنند.

چه خوب است شیعیان و مومنان به اهل بیت (علیهم السلام) نیز این فرصت را از دست ندهند و به اقتدا از خاندان نبوت، این روز را به دعا بگذرانند و به راز و نیاز

با معبود راستین و حقیقی.

**فاطمه آقایی**

**کارشناسی علوم قرآن و حدیث**



# AnyDesk

معرفی نرم افزار (any desk)

اگر در حین کار کردن با لپ‌تاپ خود دچار مشکلی شوید و هیچ‌کس در اطراف شما نباشد که بتوانید برای رفع مشکل خود از او کمک بگیرید، چه می‌کنید؟ یا اگر بخواهید روند انجام کاری را به هم‌کار دورکار خود نشان دهید، محتویات فایلی را برای او به اشتراک بگذارید یا از او بخواهید کاری را روی سیستم شما انجام دهد، چه می‌کنید؟ در تمام این مواقع و بسیاری از موارد مشابه، این برنامه any desk است که به داد شما می‌رسد اما این همه کاری نیست که می‌توانید با any desk انجام بدهید.

anydesk چیست؟

اگر بخواهیم خیلی ساده بگوییم، نرم افزار any desk یک اپلیکیشن چند پلت‌فرمی است که به سیستم‌های مستقل اجازه می‌دهد از راه دور به هم دسترسی داشته باشند. افراد می‌توانند به کمک any desk روی سیستم یک‌دیگر کار کنند و به هم فایل انتقال دهند. any desk نرم‌افزاری است که می‌تواند باعث اتصال دو سیستم به هم از طریق اینترنت شود. فرض کنید شما و دوست خود قصد دارید یک برنامه و فایل را در اختیار هم قرار دهید. اگر این برنامه بر روی هر دو سیستم نصب و به هم متصل شوند، یک سیستم می‌تواند فایل را به سیستم دیگر انتقال دهد. متصل شدن و بدون حد و مرز بودن از جمله مزیت‌هایی است که نصب این برنامه با خود به‌دنبال دارد.

کاربرد برنامه any desk از جمله کاربردهای برنامه any desk می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱) فریلنسرها افرادی هستند که با کمک اینترنت و برنامه‌هایی نظیر any desk می‌توانند فایل‌هایی که آماده کرده‌اند را در اختیار کارفرما یا هم‌کاران خود قرار دهند.

۲) زمانی که سیستم یکی از هم‌کاران یا دوستان شما با مشکل برخورد کرده و امکان خروج از منزل برای وی فراهم نیست، در این شرایط می‌توان با کمک any desk به سیستم فرد متصل شد و مشکل را بررسی و حل کرد.

۳) در زمان دورکاری می‌توان با استفاده از any desk به سیستم خود در شرکت و محل کار خود وصل شوید و روی سیستم شرکت کار خود را به صورت ریموت انجام دهید.

**مریم ربی زاده**  
**کارشناسی فقه و مبانی حقوق اسلامی**

## معرفی مستند

یکی از مستندهای زیبایی که در حیطه قرآن پخش شده است و به اعجاز علمی قرآن پرداخته است، مستند معجزات قرآن نام دارد. در این مستند به اعجاز علمی قرآن که به مرور زمان و قرون اخیر تازه کشف شده می‌پردازد؛ ولی خداوند در کتابش ۱۴۰۰ سال پیش آن‌ها را بیان کرده است. قسمت‌هایی از مستند معجزات قرآن:

### ۱- معجزه دانه

همه می‌دانند دانه چیست ولی شاید تاکنون به این فکر نکرده‌اند که این همه گونه‌های بی‌شمار از گیاهان و درختان به چه صورت از قطعه چوب به این کوچکی پدید آمده است. با دیدن این مستند خود شاهد این خواهید بود که قطعه چوب به این کوچکی چه‌گونه وجور پروردگار را اثبات می‌کند

### ۲- دوستی در طبیعت

هنگامی که به طبیعت می‌نگریم خود شاهد این خواهیم بود که هر موجود زنده، نمونه‌ای از فداکاری و نوع‌دوستی برای محافظت از نسل خود دارد.

در این مستند نمونه‌های معجزه‌آسا از احساسات خارق‌العاده که توسط پروردگار توانا که به موجودات داده شده است را، شاهد خواهیم بود.

### ۳- نام‌های خداوند

تا چه اندازه خداوند را می‌شناسیم، خدایی که از رگ گردن هم به ما نزدیک‌تر است. هدف از ساختن این فیلم شناخت خداوند است.

### ۴- تنفس

هریک از ما هدف‌های کوچک و بزرگی در زندگی داریم که در زمان کوتاه یا بلند انجام می‌گیرد ولی هیچ یک از این اهداف مهم‌تر از تنفس نیست. اگر تنفس انجام نگیرد طی دو الی سه دقیقه مغز از کار می‌فتد.

در این فیلم خواهید دید که تنفس چه موهبتی است و چه‌گونه اعضای بدن را تنظیم می‌کند و شما شاهد خلاقیت پروردگار خواهید بود.

### ۵- اسرار آزمایش

روشن است هدف از خلقت موجودی با عقل سلیم بازیچه روزگار عمر کوتاه دنیوی نیست.

این مستند یادآور این نکته می‌شود که دنیا صحنه آزمایش است.

این مستند به کارگردانی هارون یحیی ساخته شده است.

به دوستان عزیز پیشنهاد می‌شود این مستند زیبا را دانلود کنید و از دیدنش لذت ببرید.

**سارا زارع**  
**کارشناسی علوم قرآن و حدیث**



## سجاد واعظ پور ارشد علوم قرآن و حدیث

بحث حبط و تکفیر یکی از مباحثی است که در مورد حساب‌رسی روز قیامت مطرح می‌شود. این دو واژه از قرآن گرفته شده است. در موقف حساب، بعضی از افراد در پرونده‌ی حساب‌شان، اعمال خوب و صالح‌شان را نمی‌بینند. آن‌ها سوال می‌کنند اعمال خوب ما کجاست؟ خدا می‌فرماید: «تو عمل زشتی انجام داده‌ای که آن عمل زشت تو باعث شد که اعمال خوب تو از بین برود.» به این عمل حبط یا سوخت شدن عمل می‌گویند. بعضی از این گناهان به قدری زشت هستند که تمام اعمال خوب گذشته را از بین می‌برد و بعضی از این گناهان، بعضی از اعمال خوب را از بین می‌برند، که به نوع گناه و زشتی آن گناه بستگی دارد. پیامبر (صل الله علیه وآله و سلم) در جمعی از اصحاب فرمودند: «هرکس که یک بار ذکر " سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اکبر" را بگوید، به ازای آن ده درخت در بهشت برای او کاشته می‌شود.» بعضی از اصحاب گفتند که ما باغ بزرگی از پیش برای خودمان در بهشت فراهم کرده‌ایم. زیرا این ذکر را زیاد گفته‌ایم. پیامبر (صل الله علیه وآله و سلم) فرمود: «به شرط این‌که آن را نسوزانده باشید.» بعضی از افراد در روز قیامت می‌بینند که در پرونده‌شان هیچ گناهی نیست. آن‌ها تعجب می‌کنند که گناهان‌شان در پرونده نیست. به آن‌ها می‌گویند که شما کارهای خوبی کرده‌اید که بعضی از گناهان‌تان را از بین برده است. به این کار تکفیر (پوشانیدن) می‌گویند.

برخی گناهان حبط کننده در قرآن:

بر اساس آیاتی از قرآن، برخی افراد با انجام برخی گناهان سبب نابودی بسیاری از عبادات و کارهای نیک خود می‌شوند که به این افراد اشاره می‌شود:

– که به زندگی دنیا دل‌بسته و در بهره‌های آن فرو رفته‌اند. (هود، آیه ۱۵ و ۱۶)

– بیمار دلی که در نهان با نامسلمانان دوستی می‌کنند. (مائده آیات ۵۱ و ۵۳)

– که مومنان را از کارزار می‌ترسانند و چون خطر جنگ برطرف گشت، غنیمت می‌خواهند. (احزاب، آیات ۱۹ و ۱۸)

– که پیامبران را می‌کشند؛ (آل عمران، آیات ۲۱ و ۲۲)

– که به آیات خدا کفر ورزیده آن‌ها را تکذیب می‌کنند. (اعراف، آیه ۱۴۷، کهف، آیه ۱۰۵)

– که از دین و ایمان روی‌گردان می‌شوند. (مائده، آیه ۵، بقره، آیه ۲۱۷)

– که کافر شده، راه خدا را می‌بندند. (محمد، آیه ۳۲)

– که در پی به خشم آوردن خدا هستند. (محمد، آیه ۲۸)

– که آن‌چه را خدا فرو فرستاده است خوش نمی‌دارند. (محمد، آیه ۹)

– همچنین مؤمنانی که به خدا شرک می‌ورزند. (زمر، آیه ۶۵؛ توبه، آیه ۱۷؛ انعام، آیه ۸۸)

– که در حضور پیامبر (صل الله علیه و آله و سلم) صدای‌شان بلندتر از صدای آن حضرت است. (حجرات، آیه ۲)

برخی از اعمال پوشاننده گناه در قرآن:

در مقابل آیات حبط، آیات تکفیر به اعمالی اشاره دارند که گناهان را می‌پوشانند. این اعمال عبارتند از:

ایمان: پروردگارا، ما صدای منادی توحید را شنیدیم، که دعوت می‌کرد به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما ایمان آوردیم، (اکنون که چنین است) پروردگارا، گناهان ما را ببخش، و ما را با نیکان (و در مسیر آن‌ها) بمیران. (آیه ۱۹۳ آل عمران)

– تقوای الهی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید برای شما وسیله‌ای برای جدایی حق از باطل قرار می‌دهد (و روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهان شما را می‌پوشاند و شما را می‌آمزد و خداوند فضل و بخشش عظیم دارد. (آیه ۲۹ سوره انفال)

– عمل صالح در کنار ایمان به خداوند: و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند گناهان آن‌ها را می‌پوشانیم (و می‌بخشیم) و آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش می‌دهیم. (آیه ۷ سوره عنکبوت)

– هجرت و جهاد و تحمل مشکلات در راه خدا: خداوند درخواست آن‌ها (صاحبان خرد که درخواست‌های آن‌ها در آیات سابق گذشت) را پذیرفت (و فرمود) من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را، خواه زن باشد یا مرد ضایع نخواهم کرد، شما همگی هم‌نوع و از جنس یکدیگر هستید، آن‌ها که در راه خدا هجرت کرده‌اند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شده‌اند، و در راه من آزار دیده‌اند، و جنگ کرده‌اند و کشته شده‌اند سوگند یاد می‌کنم، که گناهان آن‌ها را می‌بخشم، و آن‌ها را در بهشت‌هایی که از زیر درختان آن نهرها جاری است، وارد می‌کنم، این پاداشی است از طرف خداوند، و بهترین پاداش‌ها نزد پروردگار است. (آیه ۱۹۵ آل عمران)

– صدقه به مستمندان: اگر انفاق‌ها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آن‌ها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را می‌پوشاند، و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد. خداوند به آن‌چه انجام می‌دهید، آگاه است. (آیه ۲۷۱ سوره بقره)

– توبه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! توبه کنید توبه خالصی، امید است با این کار پروردگارتان گناهان‌تان را ببخشند، و شما را در باغ‌هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد کند، در آن روزی که خداوند پیامبر و کسانی را که با او ایمان آوردند خوار نمی‌کند، این در حالی است که نور آن‌ها از پیشاپیش آن‌ها و از سوی راست‌شان در حرکت است، و می‌گویند پروردگارا! نور ما را کامل کن، و ما را ببخش که تو بر هر کار قادری. (آیه ۸ سوره تحریم)

– اجتناب از گناهان کبیره: اگر از گناهان کبیره‌ای که از آن نهی شده‌اید اجتناب کنید گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم و در جایگاه خوبی شما را وارد می‌سازیم. (آیه ۳۱ سوره نساء)

برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به سلسله سخنرانی‌های حجت الاسلام عالی در برنامه سمت خدا با موضوع سرنوشت انسان مراجعه کنید که این مطالب نیز به رشته تحریر در آمده است. (از این مطالب در این نوشته نیز استفاده شده است.) ان شاء الله توفیق عمل در راستای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) نصیب‌مان گردد.

## سوگند به قلم

قلم ابزاری برای بیان مطالبی است که شاید تنها به زبان آوردن، حق مطلب را به خوبی ادا نکند. به کمک قلم و امثال آن می‌توان نوشته‌ها و افکار خویش را برای آیندگان به یادگار گذاشت و دیگران را از اثر خویش آگاه نمود. از گذشته تاکنون قلم اشکال و انواع مختلفی پیدا کرده و خواهد کرد اما همچنان ویژگی ذاتی خود را حفظ کرده است و به گونه‌ای همچنان به بقای مطالب، کمک ارزنده‌ای می‌کند. برای این که سخن و افکار او باقی بماند به نوشتن پناه می‌برد. چه بسا نوشته‌هایی که نویسنده آنان، زیر خروارها خاک است و تنها افکار و احساسات او برای دیگران به یادگار مانده است. شاید نوشتن تنها تلاش آدمی است برای این که به گونه‌ای به خود بقا ببخشد چرا که با خواندن نوشته‌های هر فرد می‌توان به دیدگاه او پی برد و با او و افکارش آشنایی نسبی پیدا نمود. به راستی که در نبود قلم، آدمیزاد چه‌گونه می‌توانست این روح بقا طلب خود را آرام سازد و از خویش نوشته‌ای به یادگار بگذارد. مسلماً قلم هم مثل هر ابزار دیگری باید به دست اهلش بیفتد که ناهلش قلم را بی‌ارج و قرب ساخته و گروهی را به دنبال خود منحرف!

چه بسا نویسندگان انحراف‌یافته‌ای که با نوشتن اثری، گروهی را در پی خود، دچار انحراف ساخته‌اند. قلم می‌تواند جنگی را برافروزد و یا آتش جنگی را خاموش کند. همچنین می‌تواند هادی باشد به سمت کمال و سعادت یا گمراه‌کننده باشد به سمت تباهی!

باید دید قلم در دست کیست و آن دست از چه افکاری فرمان می‌گیرد. در روز ۱۴ تیرماه نوشتن را با ارزش می‌شماریم و از هرکس که دستی بر نوشتن دارد قدردانی می‌کنیم.

**مبینا شفیعی**  
**کارشناسی علوم قرآن و حدیث**



# هواپو در امد

روایت زندگی  
شهید مدافع حرم  
مرتضی عبداللہی



این کتاب صرفاً داستانی برای خواندن و گذشتن نیست؛ درسنامه شهیدی والامقام برای پیدا کردن راه است. این شهدا چراغ راه اند و به عنوان یک الگوی موفق، زندگی دین‌مدارانه را به ما نشان می‌دهند.

شهید مرتضی عبداللہی از شهدای مدافع حرم که در ۲۳ آبان ۹۶ در بوکمال سوریه به فیض شهادت نائل آمد در این کتاب شاهد نکات آموزنده و اخلاقی از زندگی این شهید والامقام هستیم شهیدی که در ۲۰ سالگی ازدواج کرد و این خود داستانی مفصل دارد به اندازه یک سال از زندگی این شهید والامقام. مادر بزرگ آقا مرتضی گفت: «باید کفش آهنین بپوشیم که بتونیم از این خونه زن بگیریم. مرتضی پاشنه کفش رو ورپکش که حالا باید بری بیای تا به نتیجه برسی.»

خواستگاری آقا مرتضی یک سال طول کشید تا بالاخره توانست جواب مثبت بگیرد. شهید عبداللہی ارادت خیلی عجیبی به امیرالمومنین علیه السلام داشت و برای همین روز های عید غدیر سر از پا نمی شناخت. می‌گفت: «چرا باید این‌طوری جا بیفته که عید غدیر فقط برای ساداته. باید همه جا جشن باشه، همه جا دید و بازدید و عید دیدنی باشه. مثل سال‌های پیش، ایام غدیر، من و مرتضی به تکاپو افتاده بودیم، امسال بنا داشتیم یک سری گل‌دان کوچک و تابلو تزئین کنیم و بین همسایه ها و عابرها و فامیل پخش کنیم.»

وقتی گل‌دان‌ها را به تک تک همسایه‌ها دادیم و عید را تبریک گفتیم همه تعجب می‌کردند. آن‌هایی هم که مرتضی را می‌شناختند می‌گفتند: «شما که سید نیستی، برای چی عیدی می‌دی؟!» مرتضی هم می‌خندید و می‌گفت: «درسته سید نیستیم؛ ولی عاشق امیرالمومنین علیه السلام که هستیم. کدوم روز بهتر از عید غدیر برای هدیه دادن؟!» این ارادت قلبی باعث شد همه در روز عید غدیر از آقا مرتضی یاد کنند حتی بعد از شهادت ایشان. ایشان وصیت کرده بودند که اگر شهید شد و پیکرش برگشت، سنگ مزار نداشته باشد و قبرش خاکی باشد به یاد حضرت مادر سلام الله علیها، به آرزویش هم رسید، شهید شد و وصیتش برای مزارش همانطور که دوست داشت عملی شد. خانمش می‌گوید: «تک به تک اعضای خانواده اش را به من سپرد، خانواده خودش که تمام شد شروع کرد به سفارش اعضای خانواده من، از من خواست حواسم به همه باشد، منتظر بودم بین همه این حرف‌ها سفارشی هم برای خودم داشته باشد ولی چیزی نگفت، همه را که به من سپرد از روی صندلی بلند شد، با همان چشم‌های اشکبار به مرتضی گفتم: «تو که خیلی با معرفت بودی، همه رو سپردی پس من چی؟!» لبخند آرامی زد و گفت: «نگران نباش، خودم هواتو دارم...»

## کسب و کار ماه

خودتون رو معرفی کنید!

حدیث گودرزی هستم ۲۱ساله ترم ۲ارشته

میکروبیولوژی دانشگاه شیراز

○ از چه سالی کارتون رو شروع کردید؟

از مهرماه ۱۴۰۰ و هنوز یک سال هم نشده.

○ چی باعث شد که به این کار علاقه مند بشید و اصلا

به فکر انجامش بیفتید؟

دو سال درگیر کنکور بودم و از لحاظ روحی حال

مساعدی نداشتم و علاقه‌ای که به هنر داشتم باعث

شد که بعد کنکور برم دنبالش.

دیوار کوب، کرومه باقی و بعد شمع سازی!

دیدم خیلی دوستش دارم و کلا علاقه داشتم که با

جمعی از دوستانم شغلی رو راه اندازی کنیم.

○ سرمایه اولیه تون چه قدر بود؟

خب این جووری نبود که کلاس برم و هزینه‌ای بابت

کلاس پرداخت کنم! از پیچ‌های مختلف یاد گرفتم و

ایده گرفتم و ایده دادم.

شمع‌های اول من شمع‌های سفالی بود که از کوزه‌های

سفالی استفاده کردم. یه مقدار پارافین خریدم و شروع

به شمع‌سازی کردم. دقیق یادم نیست چه قدر هزینه

کردم اما شاید چیزی حدود ۱۰۰تومن بود.

○ توی کار چه چالش‌هایی دارید؟

بر خلاف تصور خیلی‌ها شمع‌سازی کار راحتی نیست.

به‌عنوان مثال ساخت شمع اقیانوسی یا حتی شمع

رنگین کمونی. خب من تجربه نداشتم و آموزشی هم

ندیده بودم و نمی‌دونستم چه‌جوری می‌شه درستش

کرد و وقتی برای بار اول درست‌شون کردم با چالش

مواجه شدم.

و مسئله دیگه این که خونه واقعا جای مناسبی برای

شمع‌سازی نیست؛ چون پارافین همه چیز رو خراب

می‌کنه.

○ همین چالش‌ها چه مزایایی براتون داشته؟

من کلاس نرفتم و حتی اون‌هایی هم که کلاس رفتن

باید یک سری چیزها رو توی دل کار تجربه کنن. منم

توی همین چالش‌ها تجربه کسب کردم و همین باعث

پیشرفتم شد.

○ درآمد حاصل از این کار چه قدر هست و نسبت به

سختی‌هاش به صرفه هست؟

بستگی داره. به‌خاطر درآمد کار می‌کنم یا نه؟ من چون

عاشق این کارم درآمد برام اولویت نیست. برای خرید

وسایل به صرفه‌ترین قیمت‌ها رو در نظر می‌گیرم و

این‌طور قیمت نهایی هم به طبع کم‌تر از هم کارها

هست.

○ چه اهدافی رو برای آینده در نظر گرفتید؟

اول از همه این که بتونم کارگاه بزنم و آموزش بدم.

بعد از اون، فروش اینترنتی رو گسترش بدم.

بتونم با مغازه‌ها همکاری کنم و توی سطح شهر فروش داشتم باشم و بتونم به خیلی از آدم‌ها کمک کنم.

○ فعالیت یا سرگرمی جز این کار هم دارید؟

من وقتم رو با خانواده می‌گذرونم.

○ چه زمانی از روز رو به شغل‌تون اختصاص می‌دید؟

در روز چندساعت رو به کار می‌پردازید؟

این شکلی نیست که یک زمان خاصی از روز یا هفته

مشغول باشم، هفته‌هایی که نمایشگاه دارم حجم کار

بالاست و خب بیش‌تر مشغول آماده کردن وسایل‌ها

هستم و هفته‌هایی که نمایشگاه نیست حجم کار

سبک‌تر هست.

○ برای انجام این کار مشوق و الگویی داشتید؟

علاقه‌ای که به این کار داشتم به‌ترین مشوقم بود و

خوش‌حالم که پدرم مثل یک دوست توی این مسیر

کنارم هست البته ایشون تاییدکننده انتخاب من

نبودند.

○ چه قدر مطالعه و تحقیق داشتید و چه قدر موثر

بوده؟

مطالعه مهمه ولی خلاقیت مهم‌تر هست. یه سری

شمع‌ها رو یاد می‌گیرم و مدام باید در حال آموزش

دیدن باشم.

○ با توجه به چالش‌ها صبر و شکیبایی چه قدر بهتون

کمک کرده؟

من عاشق خلاقیت و ایده‌پردازی هستم و صبوری

برمی‌گرده به عشق و علاقه که مشوق و مسبب صبر

هست و من همیشه ذوق دیدن نتیجه رو داشتم!

شاید خسته شدم ولی کنار نکشیدم و با قدرت ادامه

دادم.

○ اگر برگردید به عقب باز هم حاضرید این کار رو

شروع کنید؟

آره چون حالم با این کار خوبه.

○ نسبت به کاری که انجام می‌دید چه حسی دارید؟

من هیچ‌وقت فروشندگی رو دوست نداشتم و از قضا

خدا من رو در این مسیر قرار داد. اوایل برام خیلی

سخت بود؛ اما همین که مردم میان و از دیدن شمع‌ها

ذوق می‌کنن، خستگی رو از تنم بیرون می‌کنه. در کل

این تعامل با آدم‌ها خیلی قشنگه.

○ توصیه شما برای جوان‌ها و خانم‌هایی که قصد دارند

کارآفرین باشند، چیه؟

من خیلی دنبال درس بودم، نمی‌گم درس بده؛ ولی

دوست دارم کسی باشم که در کنار کار درس بخونه.

همیشه اون چیزی که دوست داری رو انجام بده بدون

فکر کردن به این که تهش چی می‌شه؛ به‌خاطر حال

خوب خودت.

○ جمله پایانی؟

وقتی چیزی رو دوست داری می‌فهمی می‌شه به‌خاطر

یک سری اهداف خوش‌حال بود و زندگی کرد.

## نرگس کاظمی

# اسطوره‌های ماه



آیت الله شهید سید محمد بهشتی

گردآورنده: محمدهادی مرادی

کارشناسی علوم قرآن و حدیث



سردار شهید جلال افشار

سردار شهید جلال افشار



حکیم خوارزمی



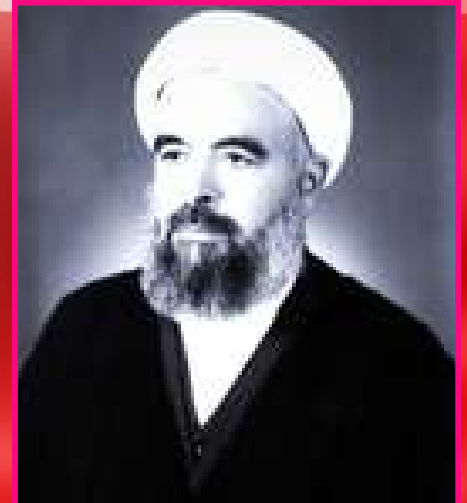
شهید حاج احمد متوسلیان



شهید علی هاشمی



شهید عبدالحمید دیالمه



آیت الله شهید محمد صدوقی



## "غدیر نور"

سلام بر جاودان پروردگار عالم هستی  
درودی از جنس نور و تبلور بر تو،  
ای غدیر خم  
بر تو ای بهار جاودان  
گلبنگ نور  
عشق و امید  
جاودانگی‌ات قابی از اسوه  
بر آسمانی سرشار از جلال و جبروت حق  
تجسم نیکی، بر سر در دین و دنیا  
غدیر، نشان از عدل حق  
نشان از شایسته‌ترین‌هاست  
درود خدا، محمد و خاندان‌اش  
بر تو ای همای رحمت  
بر غیرت و بخشایش‌گری ات  
و عظمت و کبریایت  
غدیر، رستگاری است  
که از آن  
با درخشنده‌ترین ستاره در بطن آسمان  
تابنده‌ترین ماه در ظلمت و شب تاریک  
یادمی‌کنند  
غدیر، روز عهد و پیمان  
از نوع ناگسستنی است  
میثاقی بدون نافرمانی،  
بدون نافرجامی  
میثاقی بین دو جلال و جمال است  
حضرت خوبی‌ها و امیرالمؤمنین  
و از آن غوغاتر  
این که آفریدگار است ناظر بر این عهد  
اهم  
میثاقی بسته شد، در جوار مردمی از جنس  
حق  
بلند گفته شد:  
"من کنت مولا فهذا علی مولا"  
دنیا گلستان شد  
و جهان مجدد آغاز شد و  
جانی دوباره گرفت  
و خدا شاهد است  
برابری نمی‌کند  
هیچ اهمی با این میثاق  
**شقایق پاکي پودنک**  
**کارشناسی زبان و ادبیات فارسی**



## "مسابقه"

۱. شهید مرتضی عبدالهی از شهدای مدافع حرم که در .... در منطقه..... سوریه به فیض شهادت نائل آمد.

- الف) ۲۳ آبان ۹۶\_بوکمال
- ب) ۲۳ آبان ۹۶\_ حلب
- ج) ۲۳ آذر ۹۷\_ بوکمال
- د) ۲۳ آذر ۹۷\_ حلب

۲. کدام یک از گزینه‌های زیر جز اعمال پوشاننده گناه در قرآن است؟

- الف) توبه، ایمان، زکات
- ب) توبه، ایمان، صدقه
- ج) اجتناب از گناهان کبیره، خمس
- د) صدقه به مستمندان، ایمان، زکات

۳. کدام گزینه ویژگی نرم‌افزار any desk نیست؟

- الف) چند پلت‌فرمی
- ب) دسترسی به سیستم‌های مستقل
- ج) عدم نیاز به اینترنت
- د) انتقال فایل

۴. «عید» از لفظ..... به معنای بازگشت است؛ بازگشت از زندان خود به سوی .

- الف) عود \_ آخرت
- ب) دعی \_ خدا
- ج) عود \_ خدا
- د) دعی \_ آخرت

۵. سازنده مستند معجزات قرآن..... است و هدف از ساخت این مستند..... می‌باشد.

- الف) هارون یحیی \_ شناخت خداوند
- ب) مرتضی فتحی \_ گیاهان
- ج) هارون یحیی \_ گیاهان و حیوانات
- د) مرتضی فتحی \_ شناخت خداوند

**\*پاسخ سوالات خود را به صورت یک عدد ۵ رقمی، از چپ به راست، به**

**سر شماره ۰۹۰۲۰۴۶۵۱۰۱ به همراه نام و نام خانوادگی ارسال فرمایید.**

**\*به برنده مسابقه سنگ متبرک حرم تقدیم خواهد شد.**

**\*مهلت ارسال پاسخ‌ها تا ۱۵ مرداد ماه ۱۴۰۱**

برنده مسابقه ۴۹ مضماری سرکار خانم مرضیه حدائق